

۱۳۱۴ - ۲۰۱۵



دانشگاه لرستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

بایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی

تاریخ نگاری محلی در عهد قراختائیان کرمان

استاد راهنما:

دکتر سید ابوالفضل رضوی

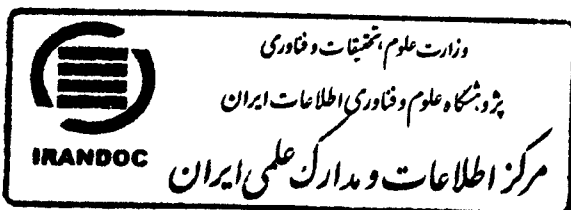
استاد مشاور:

دکتر محسن رحمتی

دانشجو:

آزاده باقری

بهار ۱۳۸۹



۱۵۱۳۱۴

۳۸۹/۱۰/۲۶

بسمه تعالی

تاریخ:

شماره:

پیوست:



دانشگاه لرستان

Copyright © Lorestan University, 2009

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or other ways without the prior written permission of Lorestan University.

همه امتیازات این پایان‌نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب در مجلات، کنفرانس‌ها یا سخنرانی‌ها باید نام دانشگاه لرستان (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان‌نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



صورت جلسه ی ارزشیابی پایان نامه های کارشناسی ارشد

جلسه ی دفاع از پایان نامه ی کارشناسی ارشد آزاده باقری

تحت عنوان: تاریخ نگاری محلی در عهد قراختانیان کرمان

در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۰ در دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان برگزار گردید. هیأت داوران بر اساس اهمیت موضوع، کیفیت پایان نامه استماع دفاعیه ونحوه ی پاسخگوئی به سوال ها، پایان نامه ی ایشان را برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته تاریخ معادل با چهار واحد نمره ی (به حروف) ^{پانزده} ~~هفده~~ (به عدد) ^{و پنج و نیم} ~~سه و نیم~~ و با درجه ی عالی... مورد تصویب قرار داد.

هیأت داوران

استاد راهنما: دکتر سید ابوالفضل رضوی
استاد مشاور: دکتر محسن رحمتی
داور داخلی: دکتر حمید کریمی پور
داور داخلی: دکتر شهاب شهیدانی
نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات: دکتر حسین چراغی وش، استاد یار دانشگاه لرستان

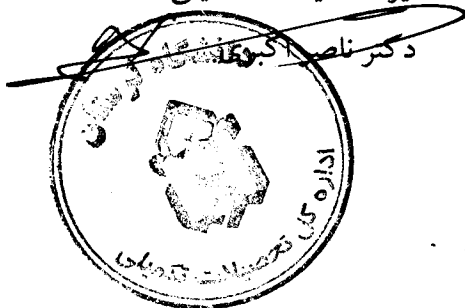
مرتبہ علمی

استاد یار دانشگاه لرستان
استاد یار دانشگاه لرستان
استاد یار دانشگاه لرستان
استاد یار دانشگاه لرستان

امضاء

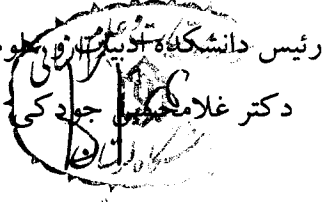
(Handwritten signatures and stamps)
حسین چراغی وش

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه



رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر غلامحسین جواد کی



تقدیم به روح مهربانی که تسلی بی‌قراری‌هایم بود،

به برادره امیر

این جهان با تو فوشست و آن جهان با تو فوشست

این جهان بی‌من مباش و آن جهان بی‌من مرو

تقدیر و تشکر

با تشکر از استادان محترم گروه تاریخ دانشگاه لرستان به ویژه جناب آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی استاد راهنما و دکتر محسن رحمتی استاد مشاور اینجانب که با نظرات ارزشمندشان این پژوهش را پربار نمودند.

از کلیه کسانی که با نظراتشان بنده را مورد لطف قرار دادند کمال تشکر را دارم. از کارکنان محترم کتابخانه مرکزی و کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان و همچنین کتابخانه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه لرستان، کتابخانه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران و مسئولین کتابخانه دانشگاه الزهراء (س) به خاطر همکاری در تدوین این رساله نهایت سپاس و قدردانی را دارم. در پایان از خانواده عزیزم به خاطر فراهم نمودن محیط مناسب برای انجام این پژوهش صمیمانه سپاسگزارم.

چکیده

تاریخ‌نگاری محلی، سومین گونه مشهور تاریخ‌نگاری پس از تواریخ سلسله‌ای و عمومی است این شکل از تاریخ‌نگاری در نیمه اول قرن سوم هجری قمری و بیشتر برای تعیین نوع تسخیر ممالک توسط مسلمانان و تعیین وضع خراج این مناطق آغاز گشت. از این زمان به بعد به تناسب، هر ایالت و شهری به فراخور اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کم و بیش دارای یک یا دو یا بیشتر تاریخ محلی است. در عهد ایلخانان این شکل از تاریخ‌نگاری به مانند دیگر اشکال تاریخ‌نگاری روبه رشد نهاد. ایالت کرمان که در حد فاصل فارس و خراسان قرار گرفته بود، از تاریخ‌نگاری محلی نسبتاً غنی‌ای برخوردار بود، چنانچه تاریخ‌نگاری محلی آن را با سایر ایالات مقایسه نمائیم پس از خراسان و ایالات ساحلی دریای مازندران از جایگاه قابل قبولی برخوردار است.

مشهورترین مورخ محلی آن سامان افضل‌الدین کرمانی (متوفای اوایل قرن هفتم هجری) است با تألیف سه اثر، نخستین تاریخ‌نگاری‌های محلی این ایالت را رقم زد. مؤلفی ناشناس در سال ۶۹۰ هـ. ق تاریخ قراختایان کرمان را نگاشت. نسائم‌الاسحار من لطائم الاخبار اثری دیگر از ناصرالدین منشی است، در سال ۷۲۵ هـ. ق در شرح احوالات وزیران تألیف گردید.

کلید واژه‌ها: تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری محلی، کرمان، قراختایان، ایلخانان افضل‌الدین کرمانی،

ناصرالدین منشی کرمانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲	مقدمه
۵	مسأله تحقیق
۶	سئوالات تحقیق
۶	فرضیات تحقیق
۷	سابقه و ضرورت تحقیق
۷	اهداف تحقیق
۸	روش تحقیق
۸	معرفی و نقد منابع تحقیق
۱۴	فصل دوم: ایران در عهد حاکمیت ایلخانان
۱۵	الف- اوضاع سیاسی ایران در عهد حاکمیت ایلخانان
۱۹	ب- اوضاع اقتصادی ایران در عهد حاکمیت ایلخانان
۲۱	ج- اوضاع فرهنگی ایران در عهد حاکمیت ایلخانان
۲۵	فصل سوم: تاریخ‌نگاری در عهد ایلخانان
۲۶	الف- کلیاتی در خصوص تاریخ‌نگاری در عهد ایلخانان
۳۱	ب- علل و زمینه‌های رشد تاریخ‌نگاری در عهد ایلخانان
۳۴	ج- ویژگی‌ها و عناصر مهم تاریخ‌نگاری در عهد ایلخانان
۳۶	د- سبک متون تاریخی عهد ایلخانان
۳۷	ه- بررسی اجمالی تاریخ‌نگاری فارسی دوره ایلخانان
۳۸	و- بررسی اجمالی منابع عربی دوره ایلخانان
۳۸	ز- سفرنامه‌های اروپائیان در عهد ایلخانان
۴۱	فصل چهارم: تاریخ‌نگاری محلی در عهد ایلخانان
۴۲	الف- پیشینه تاریخ‌نگاری محلی در ایران
۴۳	ب- علل و زمینه‌های رشد تاریخ‌نگاری محلی در عهد ایلخانان
۴۴	ج- ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی در عهد ایلخانان
۴۶	د- ارزش و اهمیت تواریخ محلی در عهد ایلخانان

۴۹	فصل پنجم: کرمان در عهد قراختائیان
۵۰	الف- اوضاع سیاسی کرمان در عهد قراختائیان
۵۹	ب- اوضاع فرهنگی کرمان در عهد قراختائیان
۶۱	ج- اوضاع اقتصادی کرمان در عهد قراختائیان
۶۴	فصل ششم: منابع تاریخی کرمان پیش از عهد قراختائیان
۶۵	الف- افضل کرمان و تواریخ او
۶۵	ب- عقد العلی للموقف الاعلی
۶۷	ج- بدایع الازمان فی وقایع کرمان
۷۰	د- المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان
۷۴	فصل هفتم: منابع تاریخ نگاری محلی کرمان در عهد قراختائیان
۷۵	الف- تاریخ شاهی قراختائیان
۹۵	ب- ناصرالدین منشی کرمانی
۹۸	ج- سِنَطُ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَا
۱۱۳	د- نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ
۱۲۳	هـ- درة الاخبار و لمعة الانوار
۱۲۶	نتیجه گیری
۱۲۸	منابع و مآخذ

فصل اول:

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

تاریخ‌نگاری محلی در ایران به دلیل قرابت با گذشته ایرانیان و احیای سنت و هویت ایرانی از مباحث مهم و پراهمیت عرصه تاریخ‌نگاری محسوب می‌گردد. مقوله‌ای که از آن یاد می‌کنیم علی‌رغم همه ظرافتها و جاذبه‌های خود، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. شاید محدود بودن موضوع تاریخ‌نگاری محلی و ناشناس بودن نویسندگان این قبیل کتب از جمله عوامل بی‌توجهی نویسندگان به این مقوله بوده است هنگامی که از تاریخ‌نگاری محلی سخن به میان می‌آید تصاویر کوچکی از تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه از ایران تداعی می‌گردد. در حقیقت می‌توان پذیرفت که تاریخ محلی زمانی به هویت خود دست یافت که در کنار تاریخ کل ایران زمین قرار گرفت. لیکن پرداختن به همین محدوده جغرافیای در نوع خود بیانگر تاریخ مردمی در گذر زمان بوده است. در حقیقت هنگامی که نویسندگان تواریخ محلی ایران قلم به دست گرفته و در صدد نگارش تاریخ منطقه خود برآمدند، هدفی جز شناساندن زاد بوم خود و هویت بخشیدن به تاریخ محلی و بومی نداشتند.

اساس کار این پژوهش نیز بررسی اهداف و انگیزه‌های نویسندگان تواریخ محلی کرمان بوده است. ایالت کرمان از نظر موقعیت جغرافیایی و حتی سیاسی وضعیتی شبیه به منطقه یزد دارد. کرمان منطقه کویری بین فارس و خراسان بوده و هیچ‌گاه خاستگاه حکومتی فرامحلی نبوده است. کرمان در عصر قبل از اسلام ایالتی مستقل بوده و پس از اسلام تا زمانی که شعبه‌ای از آل‌بویه بر آن حاکم شد همچون یزد توسط والیان اداره می‌شد. پس از آنکه کرمان به دست قاورد عموی ملک‌شاه سلجوقی (حکومت ۴۶۶-۴۴۲ هـ. ق) افتاد، دوران ثبات سیاسی و اقتصادی در آن شروع شد اما پس از ضعف سلاجقه، کرمان رو به ضعف نهاد و حیات سیاسی، اقتصادی در آن تحت تأثیر قرار گرفت. پس از یک قرن این ایالت به تصرف عُزان به سرکردگی ملک‌دینار (۵۹۱-۵۸۴ هـ. ق) درآمد و عهد اغتشاش پیشین به امنیت مبدل گشت. در عصر حاکمیت مغول نیز حکومت نسبتاً مستقل قراختائی (۶۱۹-۷۰۳ هـ. ق) بر این ایالت حاکم گردید. ایالت کرمان، شهرهایی چون

بردسیر، سیرجان، بم، جیرفت و ... دارد و شهر کرمان در واقع همان شهر بردسیر است. بردسیر و جیرفت پایتخت حاکمان محلی بود و معمولاً بین این دو بیلاق و قشلاق می کردند.

تاریخ‌نگاری محلی کرمان با حاکمیت محلی این سامان پیوند یافت و اولین تاریخ محلی کرمان یعنی عقدالعلی للموقف الاعلی توسط افضل‌الدین کرمانی به نام ملک دینار غز در سال ۵۸۴ هـ. ق تألیف گردید. این مؤلف به جز آن اثر دو تاریخ محلی دیگر به نام‌های بدایع الازمان فی وقایع کرمان و المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان که ذیل و مکمل اثر فوق است را تألیف کرد. پس از آن مؤلفی ناشناس کتابی بنام تاریخ شاهی قراختائیان کرمان در حوالی سال ۶۹۰ هـ. ق نوشت. به دنبال آن دو ناصرالدین منشی اثر *سَمَطُ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَیَا* را در سال ۷۱۵ هـ. ق تألیف نمود. همین‌طور *نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ* را در تاریخ وزراء نوشت.

جذایب متون تاریخی محلی این دوره باعث سوق یافتن پژوهنده به سوی این مقوله گردید. بررسی اهداف و انگیزه‌های مؤلفین تواریخ محلی کرمان عهد قراختائیان و همچنین بررسی محتوایی و مفهومی این متون از جمله اهداف این پژوهش بوده است که به علت غرابت این تواریخ پژوهشی جامع و کامل را می‌طلبد.

عدم امکان دسترسی آسان به منابع دست اول و به ویژه منابع مربوط به تواریخ محلی از جمله مشکلات عدیده‌ای بود که نگارنده در طول پژوهش با آنها مواجه بوده اما با مراجعه به کتابخانه‌های دانشگاه‌های مختلف سعی در دسترسی بدانها و فائق آمدن بر مشکلات موجود داشته است.

این رساله از هفت فصل تشکیل شده است. در فصل اول مقدمه و کلیات طرح تحقیق تبیین شده، فصل دوم حاکمیت ایلخانان به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به صورت خلاصه‌وار بررسی شده است. فصل سوم شامل کلیاتی در خصوص تاریخ‌نگاری عهد ایلخانان و همچنین علل و ویژگی‌های این نوع تاریخ‌نگاری می‌باشد که در ادامه آن سبک متون تاریخی در این عهد بررسی شده است. در این فصل همچنین بررسی مختصری بر روی متون فارسی و عربی و سفرنامه‌های نوشته شده در این عهد صورت گرفته است. فصل چهارم پیشینه تاریخ‌نگاری محلی در ایران به همراه علل و ویژگی‌ها و اهمیت تواریخ محلی در عهد ایلخانان را بررسی نموده

است. فصل پنجم به موضوع اصلی نزدیک شده و اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کرمان عهد قراختائی را بررسی نموده است. برای بررسی متون تاریخی عهد قراختائی ناگزیر به پرداختن به پیشینه‌ی این تاریخ‌نگاری یعنی تاریخ‌نگاری عهد سلجوقیان کرمان شده و تاریخ‌نگاری سه اثر معروف این عهد، عقدالعلی للموقف الاعلی، بدایع الازمان فی وقایع کرمان، المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان آثار افضل‌الدین کرمانی را بررسی نموده ایم. این آثار در فصل ششم به صورت مختصری مورد بررسی قرار گرفته اند. در فصل هفتم، فصل پایانی و اصلی این پژوهش که همانا بررسی تواریخ عهد قراختائی است سه اثر اصلی در تاریخ‌نگاری این عهد، یعنی تاریخ شاهی قراختائیان کرمان، سَمَطُ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَیَا، نَسَائِمُ الْاَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْاَخْبَارِ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بی‌شک پژوهش حاضر خالی از نقایص و کاستی‌هایی نیست و لذا امید است اساتید محترم با ارائه نقطه نظرات خویش به پرباری آن کمک کنند تا این پژوهش بابی برای نگاهی تازه به مقوله تاریخ‌نگاری محلی بوده باشد و راهگشای سودمندی برای محققان آینده قلمداد شود.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی به عنوان استاد راهنمای پژوهش و جناب آقای دکتر محسن رحمتی استاد مشاور و دیگر اساتید محترم گروه تاریخ دانشگاه لرستان که بدون یاری و رهنمودهای آنها انجام این کار غیرممکن بود صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

مسأله تحقیق

تاریخ‌نگاری هر عصری نمود گفتمان و شرایط حاکم بر آن عصر قلمداد می‌شود. تحول و تداوم تاریخی هر قوم و ملتی در پرتو تاریخ‌نگاری آن قوم و ملت قابل دریافت است و بدون مطالعه‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری شناخت اجزای ساختاری جامعه امکان‌پذیر نیست. عصر حاکمیت ایلخانان به لحاظ دگرگونی‌هایی که در ابعاد مختلف ساختار حیات جمعی ایران به وجود آورد در بعد فرهنگی و از جمله تاریخ و تاریخ‌نگاری نیز منشأ اثر شد و دوره بی‌نظیری را در این خصوص رقم زد.

تحولات این عصر در زبان و ادبیات تأثیر فراوان نهاد و نوعی بازنگری ناخودآگاه را نسبت به هویت جمعی به وجود آورد. تأثیر حاکمیت ایلخانان در سیاست و فرهنگ و اقتصاد جامعه محدود به حکومت مرکزی و دربار ایلخانی نبود، فراتر از آن در ایالات مختلف و در قلمرو حکومت‌های محلی تابع ایشان نیز اثر گذاشت و تغییرات قابل توجهی ایجاد کرد. هرچند میزان این تغییرات در تمامی ایالات یکسان نبود و سلوک حکام محلی در میزان برخورداری از این دگرگونی‌ها و استفاده مثبت از شرایط موجود تأثیرگذار بود، اما تمامی کارگزاران محلی امکان بهره‌گیری از این شرایط را داشتند و استفاده از آن به عملکرد و نوع جهت‌گیری خودشان برمی‌گشت. کرمان عصر قراختایان یکی از مناطقی است که حکام آن با بهره‌گیری مناسب از شرایط موجود و برقراری ارتباط متقابل سیاسی و خانوادگی با دربار ایلخانان زمینه‌های رشد و توسعه‌ی فراوان به دست آورد. این رشد و توسعه در تاریخ‌نگاری حاصل شده در کرمان به خوبی به یادگار مانده و یکی از میراث‌های جاویدان علمی و ادبی و اسناد قابل توجه را در زمینه‌ی تاریخ و جامعه بر جای گذاشته است. بررسی اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کرمان عصر قراختایان و ارتباط آن با تاریخ‌نگاری‌های به وجود آمده در این خطه مسئله‌ای است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و در راستای روشن شدن آن، منابع مهم تاریخ‌نگاری این عصر مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

رشد تاریخ‌نگاری ایران در عهد ایلخانان در روند تاریخ‌نگاری کرمان عهد قراختائی چه تأثیری داشت؟

سؤالات فرعی

۱- چه عواملی در رشد و بالندگی تاریخ‌نگاری ایران بعد از هجوم مغولان مؤثر بوده‌اند؟

۲- زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری در کرمان عهد قراختائیان چه بوده است؟

۳- تاریخ‌نگاری‌های مهم محلی قراختائیان کرمان از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

اهتمام مغولان به تاریخ‌نگاری و تحول در فرهنگ و ادب در عهد ایلخانان، در دگرگونی تاریخ‌نگاری در کرمان و کیفیت آثار تاریخ‌نگاری این خطه تأثیر مشخصی داشت.

فرضیات فرعی

۱- حفظ نام و یاد اجداد و نیاکان مغولان از چنگیزخان به بعد در رشد تاریخ‌نگاری مؤثر بوده است.

۲- حضور دیوانیان توانمندی همچون ناصرالدین منشی کرمانی و حمایت حکام محلی آنجا از آنها در

رشد تاریخ‌نگاری کرمان مهم به نظر می‌رسد.

۳- مورخین قلمرو قراختائیان رویکرد فرهنگی و دینی به تاریخ داشتند و این مهم از وجوه تمایز

تاریخ‌نگاری این حوزه قلمداد می‌شود.

سابقه و ضرورت تحقیق

راجع به موضوع پیشنهادی پژوهش تاکنون تحقیق مستقل و جامعی صورت نگرفته است. تنها در برخی از آثار همچون کتاب ماه تاریخ و جغرافیا به صورت چند سطر یا چند صفحه به تاریخ‌های محلی اکثر شهرها در قرون متعدد پرداخته شده است که آن هم در حد بسیار جزئی و محدود می‌باشد و در دانشگاه تبریز دکتر رحیم‌لو مقاله‌ای با عنوان تاریخ‌نگاری محلی کرمان در سال ۸۶ در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگاشته است. با توجه به اهمیت این تواریخ جا دارد که در یک تحقیق و رساله دانشگاهی به صورت مفصل به این موضوع پرداخته شود.

اهداف تحقیق

سنت تاریخ‌نگاری ایران دارای میراث گران‌قدر و تجربیات پرارزشی از تاریخ‌های محلی است. چنانچه شادروان مدرس رضوی در مقدمه تاریخ بخارا نوشته‌اند: برای هر یک از شهرها یک یا چند تاریخ ساخته شده که هر یک درباره گذشته و حوادث و رویدادهای آن شهرها و قصبات و روستاها و وضع اقتصادی و ذکر علما و قضات و حوادث و اتفاقات آن ناحیه بحث می‌کند. به رغم اطلاعات نفیسی که در تواریخ محلی کشورمان از جمله تواریخ محلی قراختائیان کرمان نهفته است، این شاخه از تواریخ مورد بی‌مهری واقع شده و کمتر به آنها پرداخته شده است. اهداف مرتبط با این پژوهش در موارد ذیل گنجانیده شده است.

۱- روشن نمودن گوشه‌ای از تاریخ و تاریخ‌نگاری ایرانی با تمرکز بر تاریخ حکام قراختائی در کرمان.

۲- بررسی چگونگی و چرایی شکل‌گیری این تواریخ.

۳- در حد توان بررسی متون تاریخی و ذکر اطلاعات موجود و نوع و سبک نویسندگی آنها.

۴- کمک به مؤسسات پژوهشی و آموزشی علاقمند به تواریخ محلی ایران.

تعریف مفاهیم تحقیق

تاریخ‌نگاری: صورت مکتوب علم تاریخ است و بینش و نگرش مورخ و البته فراتر از آن تلقی عمومی جامعه از تاریخ را در خود دارد. تحول و تداوم تاریخ هر قوم و ملتی در پرتو تاریخ‌نگاری آن قابل دریافت است و لذا پرداختن به تاریخ‌نگاری هر دوره در حکم باز شناخت تاریخ آن دوره تلقی می‌شود.

تاریخ‌نگاری محلی: به منابع تاریخ‌نگارانه‌ای اطلاق می‌شود که نه به وسیله مورخین در بارهای مرکزی در ایران بلکه به وسیله مورخینی به رشته تحریر درآمده است که در خدمت حکام ایالات بوده‌اند.

قراختانیان: سلسله‌ای ترک زبان و مسلمان بودند که مقارن با آغاز حاکمیت مغول‌ها در ایران در ایالت کرمان به قدرت رسیدند و نقش مؤثری در حفظ و تداوم سنن و فرهنگ اسلامی در کرمان ایفاء کردند.

علم تاریخ: برداشت یا معرفت مورخین نسبت به تاریخ است و مثل بسیاری از علوم دیگر حاصل انضمام مورخ با واقعیت‌های تاریخی و یا گزارش واقعیت‌هاست.

ایلخانان: سلسله‌ای با قومیت مغولی که در حد فاصل سال‌های ۷۳۶-۶۵۴ هـ ق در ایران حکومت داشتند و دگرگونی‌هایی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کردند.

روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش معمول توصیفی-تحلیلی است. در این روش با بهره‌گیری از شیوه تحقیق کتابخانه‌ای داده‌های پژوهش جمع‌آوری شده و پس از نقد و تصفیه و طبقه‌بندی اطلاعات، به تجزیه و تحلیل آنها در راستای سؤالات و فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

معرفی و نقد منابع پژوهش

مهم‌ترین گام در هر پژوهش تاریخی، بررسی، شناخت و نقد داده‌های منابع جهت استفاده صحیح از آنها در طی تحقیق می‌باشد. محقق تاریخ از وقایعی که درباره آنها تحقیق می‌کند برکنار بوده و غیرمستقیم و از طریق

منابع با واقعیت‌ها در ارتباط قرار می‌گیرد. از این روی شناخت و نقد منابع نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری تحقیق خواهد داشت. در اینجا برخی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده در این پژوهش مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند.

تاریخ شاهی قراختائیان کرمان

در اواخر قرن هفتم هجری قمری اثری به نام تاریخ شاهی در احوال قراختائیان کرمان (۷۰۷-۶۱۹ هـ.ق) تألیف شد. از مؤلف ناشناس آن اثری در دست نیست. با این حال، ناصرالدین منشی کرمانی، مؤلف تاریخ شاهی را فردی به نام خواجه شهاب‌الدین ابو سعید معرفی می‌نماید و اثر خود را مکمل و ذیل آن قلمداد نموده است. دکتر باستانی پاریزی با وجود این ابهامات در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، ترجیحاً مؤلف آن را ناشناس اعلام نموده است. (تاریخ شاهی قراختائیان، ۲۶۳۶، ص ۸۲ دیباچه)

صرف‌نظر از همه اینها، کتاب موجود نیز ناقص است ولی نقص موجود چیزی از ارزشمندی مطالب کتاب و توانمندی‌های مؤلف آن نمی‌کاهد. در این اثر صرفاً بخش کوتاهی از تاریخ قراختائیان کرمان باقی مانده است و قسمت‌های اول و دوم کتاب موجود نیست.

آنچه که در دست است بیشتر درباره سیاست و مملکت‌داری و شرایط و ضوابط آن است. مؤلف پادشاه را نایب و جانشینی انبیاء و صحابه، وظیفه او را محافظت از دین و ایجاد نظم قلمداد کرده است. وی هدف نهایی حاکمیت را ایجاد عدل دانسته و بر آن تأکید دارد. مؤلف به عنوان یکی از مؤلفین درباری در کتابش به تعریف و تمجید حاکمیت عصر خود می‌پردازد و دو سلطان قتلغ ترکان و ترکان خاتون را می‌ستاید. گذشته از اینکه پیوسته در اثرش قتلغ ترکان را حاکمه عادل و صاحب کرامات و شجاعت‌های فراوان در مقابل انسان‌ها و حیوانات می‌داند حاکمیت او را کم‌نظیر می‌خواند. او حتی امیدوار است بتواند کتابی اختصاصی درباره پادشاه خاتون تألیف نماید تا بتواند او را بهتر بشناساند.

با همه این احوال کتاب سرشار از اعتقادات خرافی رایج در آن عهد بوده و بینش و روشی جدا از سایرین نداشته و چنین به نظر می‌رسد که حس تعصب و وطن‌دوستی نویسنده مانع از آن بوده است که واقعیات را به صورت واضح و روشن بیان نماید.

سِمَطُ الْعَلِيِّ لِلْحَضْرَةِ الْعَلِيَا

ناصرالدین منشی کرمانی مؤلف این کتاب در سال ۶۹۳ هـ ق از سوی صفوة‌الدین پادشاه خاتون قراختائی به ریاست دیوان رسائل و انشاء کرمان منصوب گردیده است. در سال ۶۹۵ هـ ق بعد از رسیدن محمدشاه قراختائی به سلطنت و آمدن قاضی فخرالدین به کرمان از این سمت برکنار شده و بعدها در زمان ملک ناصرالدین محمدبن برهان دوباره مورد عنایت قرار گرفته است.

مطالب این کتاب درباره تاریخ قراختائیان کرمان است که علاوه بر مقدمه، فصلی در باب تاریخ مختصر کرمان و تفصیل وقایع مربوط به دوران حکومت قتلغ سلطان براق حاجب، قطب‌الدین محمد، رکن‌الدین خواجه جوق، قتلغ ترکان، سلطان حجاج، سیورغتمش سلطان، صفوه‌الدین پادشاه خاتون، محمدشاه، مظفرالدین، شاه جهان و بالأخره امیر ناصرالدین نیکروزرا آورده است.

این اثر کامل‌ترین اثر به جا مانده راجع به این سلسله محلی است. نویسنده با اشراف کامل بر تاریخ کرمان به جزئیات کامل این دوره پرداخته است. نثر این اثر بسیار متکلف و دشوار است به طوری که فهم بسیاری از مطالب آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. صرف‌نظر از نگارش مصنوع و متکلف وی که باید برای طبقه دبیران و اهل دیوان باشد، نگرش تاریخی وی نیز طبقاتی و قالبی است. او تاریخ را چیزی جز انعکاس احوال طبقات عالی جامعه مانند حاکمان، وزراء، امرا و دیوانیان نمی‌داند و از اینکه مورخان دیگر به تعبیر او به «ادوان و اوساط و ارادل و اسقاط» توجه می‌نمایند با تعجب آنها را «دراز نفسان گزاف درای» می‌خواند. (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ص

مؤلف اثرش را به طور مشخص برای منشیان مشکل‌پسند و آن هم احوال اعیان و بزرگان صاحب جاه نگاشته است. همین طرز تفکر باعث شد تا وی کتابی نیز در احوال وزراء (نسائم الاسحار من لطائم الاخبار) بنویسد. با این حال مؤلف، فردی است که هر داستان و افسانه‌ای را به راحتی قبول نمی‌نماید و بیان فردوسی در چگونگی بنیاد کرمان و افسانه کرم هفتواد را جعلی و نه معقول و منطقی می‌شمارد. (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ص

(۱۲)

این اثر خصوصیات یک تاریخ سلسله‌ای محلی را دارد و مملو از تعریف و تمجید از قراختائیان کرمان است. سمط‌العلی للحضرة‌العلیا به سان سایر آثار تاریخ محلی کرمان کمتر به احوال فرهنگی و آداب و رسوم، موقعیت و تاریخ شهری توجه نموده، اما مملوء از توصیف کشاکش‌های سیاسی و نظامی است.

نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ

این کتاب نیز اثری از ناصرالدین منشی کرمانی است، که آن را در سال ۷۲۵ هـ ق تألیف نموده، منتها با موضوعی متفاوت از اثر قبلی یعنی سمط‌العلی للحضرة‌العلیا است. این نویسنده توانمند در این اثر به شرح حال وزراء مسلمان از عهد خلفای راشدین تا پایان عهد ایلخانان پرداخته است. به علت کثرت وزراء در بسیاری از مواقع تنها به معرفی و بیان شرح حال مختصری از حال وزراء پرداخته و از سایر موارد دیگر صرف‌نظر نموده است. با این حال ابتکار و نوآوری نویسنده در خلق چنین اثری قابل ستایش است. این کتاب از لحاظ ادبی نیز حائز اهمیت فراوانی است. نویسنده پیوسته، جانب عدالت را رعایت نموده و هیچ‌گاه به ستایش یا بدگویی بی‌مورد از وزیری نپرداخته است. نکات مهمی که درباره این کتاب باید گفت این است که نویسنده به بیان تاریخ سیاسی عهد وزراء نپرداخته و همین موضوع برای خواننده‌ای که چندان با این دوره‌ها آشنا نباشد، درک مطالب را مشکل می‌نماید. از سوی دیگر ایراد برجسته دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد آن است که